

# خسارات گروگان های سفارت آمریکا

امیرفیض- حقوقدان

اخیرا در قانون بودجه آمریکا آرتیکلی پیاده شده که کنگره آمریکا به دولت اجازه داده است که به کارمندان سفارت آمریکا که در گروگان جمهوری اسلامی بوده اند و یا بازماندگان آنان خسارت پرداخت شود؛ و میزان خسارت هم در قبال هر روز گروگان بودن ۱۰,۰۰۰ دلار و برای بازماندگان گروگانهایی که فوت شده اند تا سقف ۶۰۰ هزار دلار تعیین کرده است.

تحریر حاضر گفتگونی درباره تصمیم کنگره و دستاوردی است بسیار غیر مترقبه و قابل بحث

## احمالی از سابقه

پس از آنکه موضوع گروگانها از سوی خمینی به مجلس احاله شد مجلس ۵ شرط برای آزادی گروگانها پیشنهاد کرد که با تغییرات کوچکی از جانب کارتر همان ۵ شرط مبنای بیانیه الجزایر و آزادی گروگان های آمریکایی شد ۵ شرط مزبور عبارتست از:

- ۱- تعهد آمریکا به بازگرداندن دارائی ها و بازگشت به وضعیت قبل از شورش ۵۷
- ۲- لغو کلیه تحریم های دولت آمریکا علیه ایران؛ توضیح اینکه تحریم ها تمامی بمناسبت گروگان گیری وضع شده بود.
- ۳- استرداد دارائی های ایران که در آمریکا بود.
- ۴- استرداد دارائی های شاهنشاه.
- ۵- پس گرفتن کلیه دعاوی مطروحه آمریکا در دادگاه های بین المللی.

سَمَت این تحریر حضور کامل و جامع در کیفیت رسیدگی و اجرا و ایدم اجرای تعهدات آمریکا و ایران نیست تنها به شرط پنجم که مستعد در تصمیم کنگره آمریکا به پرداخت خسارت به گروگانهاست تخصیص خواهد یافت.



## بی اطلاعی محض

این تحریر نمیتواند از این توجه مهم غافل بماند که بطورکلی ایرانیان به ویژه رژیم اسلامی از مذاکرات الجزایر و تصمیم هیئت دآوری که بر اجرای بیانیه تصدی داشت، غافل و محروم بوده اند، زیرا از سوی خاتمی که در آن زمان وزیر ارشاد دولت میرحسین موسوی بود بصورت رسمی بخشنامه شد که هرگونه انتشار اخبار در ارتباط با دیوان دآوری بین المللی که به قضیه گروگان ها رسیدگی میکند ممنوع شد و سانسور کامل و تمام عیاری برقرار گردید. (از مصاحبه مصطفوی داور ایران در دیوان)

عین دستور ممنوعیت در بحث بیانیه الجزایر، در مورد برجام هم جریان یافت مقصود اظهارات ولایتی مشاور عالی بین المللی سیدعلی خامنه ای است که در دیدار با نماینده سازمان ملل در عراق گفت: «باید همه بدانند که فرمایشات رهبر معظم انقلاب فصل الخطاب است و دیگر نباید در مخالفت با مذاکرات هسته ای سخنی گفته شود. (۱۰ آذر ۱۳۹۳)

جنتی رئیس شورای نگهبان هم گفت: «نباید در جلسات عمومی درباره برجام بحث شود».

نا آگاهی ایرانیان از جریان مذاکرات اجلاس الجزایر و دیوان بین المللی دقیقا همان حالت و وضعی بوده که اکنون ایرانیان از حقیقت مذاکرات و تصمیمات اجلاس ژنو و وین و مذاکرات هسته ای آگاه نیستند.

مدارکار این تحریر در آن جهت نیست که یک مقایسه اجمالی در روند بیانیه الجزایر و توافق هسته ای ارائه بدهد اما بمناسبت اشاره به بخشنامه موسوی نخست وزیر وقت جمهوری اسلامی (غاصب ایران) بجاست که موارد پیش رو، گوشواره این تحریر شود.

✳ همانطور که هیئت مذاکره کننده ایران در اولین جلسه ژنو تحت تاثیر نمایندگان آمریکا و گروه ۵+۱ قرار گرفت و بنا بر اظهار آقای عراقچی توافقنامه ژنو را که آمریکایی ها نوشته بودند نخوانده امضا کرد.

هیئت ایرانی در مذاکرات الجزایر هم تحت تاثیر و موقعیت جلسه، نقشی در تنظیم بیانیه و پی آمد های آن نداشت.

### به سند زیر توجه کنید

«گروه مذاکره کننده ایرانی در تدوین، تنظیم و نگارش این موافقت نامه (موافقت نامه الجزایر) نقش انفعالی داشته است. موافقت نامه را دولت و یا گروه های مذاکره کننده آمریکایی تنظیم کرده و گروه ایرانی به بسیاری از مراتب و مسائل در آن دقت نکرده و در هر حال به امضای بهزاد نبوی رسیده است».

در تطبیق مورد توافقنامه ژنو به امضای هیئت ایرانی رسیده است.

آقای بهزاد نبوی هم که بعنوان نماینده ایران در مقابل کریستوفر در الجزایر حاضر شد مهره خود باخته ای بود. بخشی از صورت جلسه مذاکرات الجزایر به اینجا آورده میشود که معرف ظرفیت بهزاد نبوی و در مجموع گروه ایرانی که بیش از دوتن نبوده است پی برده شود.

«طرف ایرانی (نبوی) از سفیر الجزایر میپرسد که ما در کمیسیون چه بگوئیم و چه نگوئیم؛ سفیر میگوید شما باید بگوئید چه میخواهید. ایرانیها میگویند شما برادران مسلمان ما هستید شما میدانید ما چه میخواهیم خوب خودتان بروید و صحبت کنید».

دشوار نیست شناخت ظرفیت هیئت ایران در کمیسیون مزبور از قرینه یاد شده که سالب نیاز به نقد و تشریح است.

✳ در گزارشی که آقای کاشانی یک از داوران ایرانی در ماجرای بیانیه الجزایر منتشر ساخته، آمده است:

«من یقین دارم که گروه مذاکره کننده بسیاری از بندهای این موافقت نامه را اصلا درک نکرده و نفهمیده چه تعهداتی برای کشور ایجاد کرده است».

**دقیقا همان است که بسیاری از جمله در تحریرات اینجانب اظهار شده که هیئت ایرانی در مذاکرات هسته ای ژنو نفهمیده اند که چه تعهداتی را علیه ایران امضا کرده اند.<sup>۱</sup>**

✳ همانطور که تصویب برجام، مجلس در جریان عادی قرار نگرفت و در واقع مجلس اسلامی غال گذاشته شد همین برنامه در جریان اجرای بیانیه الجزایر بکار گرفته شد و آقای صادق طباطبائی سخنگوی دولت موقت در این باره گفت:

«مجلس اصلا در کارگروگان گیری مداخله نداشت و بهمین دلیل نام بیانیه، برای موافقت نامه الجزایر برگزیده شد که مشمول ماده ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی نشود».

(از مصاحبه مفصل آقای طباطبائی)

یادتان هست که چه تلاشی از جانب دولت و ظریف و عراقچی میشد که نام قرارداد و توافقنامه به توافقنامه اوین داده نشود؟

✳ همانطور که آقای ظریف و عراقچی و روحانی تلاش داشتند که بسرعت برجام در جریان اجرا قرار گیرد.

همانطور هم آقای میرحسین موسوی نخست وزیر وقت و بهزاد نبوی تعجیل و اصرار داشتند که هرچه زودتر بیانیه الجزایر به مرحله اجرا درآید.

✳ همانطور که شیخ حسن امروز مدعی است که برجام شاهکاری بیسابقه است، میرحسین موسوی هم در همان زمان گفت: «بیانیه الجزایر حتی از توافقنامه بین آمریکا و مکزیک هم مهمتر است».

<sup>۱</sup> - با وجود این همه نوشته شاید بیش از ۳۰ مورد در باره توافق ژنو، لوزان و وین از سوی استاد امیرفیض- هنوز هم بسیاری از ایرانیان حتا در خط مقدم اوپوزیسیون به اسارتی که در امضای توافق نامه برجام برای بیش از ۳۰ سال به ایران تحمیل شده است پی نبرده و درک موضوع نمی کنند و رسوب کافی و کامل را ندارد. یک علت دارد. نمی خوانند. ح-ک

✳ همانطو که امروز ادعای درست میشود به اینکه تعهدات ایران دربرجام آشکار و روشن است ولی تعهدات آمریکا و ۱+۵ نامعلوم و مجهول است همین نابرابری دربیانیه الجزایر هم وجود دارد و مرکز حقوق بین الملل مینویسد:

«بیشتر بخش های موافقت نامه الجزایر به ضرر کشور ما بود و شاید در تاریخ ایران کمتر موافقتنامه ای را میتوان با این درجه از یکسویه بودن یافت. تعهدات ایران بصورت بسیار روشن و گسترده و تعهدات آمریکا بسیار مبهم و محدود و با قید آمده است»

(۱۵ مهرماه سال ۸۹)

✳ تنها تفاوتی که در جریان برجام و بیانیه الجزایر وجود دارد اعلام صریح بهزاد نبوی است که گفته است «من اهل آن کار نبودم و حقوق هم نخوانده بودم»، حتی در یک برنامه تلویزیونی هم گفت: «آنقدر چرتکه نیاندازید که چه دادیم و چه گرفتیم».

(از مصاحبه صادق طباطبائی سخنگوی دولت موقت)

## واما بعد

### نخست حقوق اسلامی

این تحریر مقید است به ارزیابی بیانیه الجزایر از باب حقوق اسلامی و حقوق مدرن ناشیه از بیانیه الجزایر که دومی همان است که کنگره آمریکا بتصویب رسانده است.

از باب حقوق اسلامی، قضیه خیلی روشن و ساده است بجای اینکه جمهوری اسلامی در اجرای آیات قرآن، یا گردن گروگان ها را بزند و یا آنها را آزاد کند و یا فدیة بگیرد علیرغم این احکام مسلم که با سنت محمد هم جامعیت اجرا بخود گرفته برای هر روز گروگان ها ۱۰,۰۰۰ دلار خسارت هم به گروگان های کافر پرداخته است یعنی به حکم خدا و قرآن و اسلام، حکومت اسلامی ایران تغوی عظیم هم فرموده (نایافته دم دوگوش گم کرد)، (قابل توجه شورای نگهبان).

## واما تصمیم کنگره آمریکا

به اعتبار موافقت نامه الجزایر موضوع گروگان گیری جمهوری اسلامی به دیوان بین المللی ارجاع شد و سالها دیوان درگیر پرونده مزبور بود و هماهنگ با دیوان، گروگان های سفارت آمریکا به دادگاه های داخلی کشورشان برای مطالبه خسارت رجوع کردند و حتی به دیوان کشور آمریکا (دادگاه عالی) هم رفتند ولی موفقیتی نداشتند.

### علت عدم موفقیت

بیان علت عدم موفقیت، ملازمه با مطالعه پرونده دارد که خارج از صلاحیت این تحریر است ولی میتوان به اعتبار ملاحظات حاضر علت را در مراتب زیر ممکن دانست:

از آنجا که بیانیه الجزایر رسیدگی به کل مسئله گروگان گیری رابه دیوان بین المللی لاهه رجوع داده بود بنابراین ازدادگاه های محلی سلب صلاحیت میشد.

برطبق اصول حقوقی، یک دولت در قلمرو کشور خود نمیتواند دولت دیگری را محاکمه کند و در حقیقت دولتها در قلمرو کشورهای دیگر داری نوعی ازمصونیت هستند (در عمل، آمریکائی ها به این اصل اهمیتی نمیدهند).

وجوه وسرمایه ها وسپرده ها واموال کشورها درکشوردیگرامانت ومصون اذتعرض است وبه اعتباراین اصل دولت آمریکا اصرارنزدیک به احتیاط داشت که مطالبات ادعائی علیه ایران را اذداری های بلوکه شده ایران نپردازدکه موجب نگرانی کشورهای دیگرگردد.

به همین دلیل هنگامی که منبعی برای پرداخت مطالبات گروگانها ازمحل جریمه بانک فرانسوی پاریباس (Paribas Bank) بوجود آمد به اعتبارآنکه منبع مزبور متعلق به دارائی های ایران نبود ومتعلق به دولت آمریکا ست پرداخت خسارات به گروگان ها بصورت قانون درآمد.

سالها دیوان نتوانست حکم صادرکنند زیرا بموجب شرط پنجم بیانیه مورد توافق ایران و آمریکا، آمریکا پس گرفتن کلیه دعاوی مطروحه علیه ایران دردادگاه های بین المللی را تعهد کرده بود و معنای حقوقی این تعهد میرساند، که آمریکا نمیتواند باردیگردعوی جدیدی علیه ایران طرح کند؛ ناچار بعد از سالها دیوان، موضوع رابه داوری ارجاع نمود و آقایان دکترمصطفوی و دکتر شفییعی (دکتر شفییعی همکاربنده دروزارت دارائی رژیم سلطنتی ایران بود فکرمیکنم درکتاب خاطرات وکیل دربارهم به نام ایشان اشاره شده است) وارد مسئله داوری شدند.

داوران مزبور بیحالی آقای بهزاد نبوی ویا ساخت وپاخت با آمریکا را نداشتند ولاجرم آمریکا از حضور آنان ناراحت وخواستار تعویض آنان شد؛ به سند زیرتوجه فرمائید:

درهمان زمان روزنامه هرالد تریبیون درشماره ۲۸ شهریورماه سال ۲۳۶۳ اینگونه نوشت: <سخنگوی ایالات متحده گفت وزارت امورخارجه آمریکا تنها ۲ راه برای رویارونی برای این وضعیت دارد می یابد نخست استعفای ۲ داور ایرانی ودیگراحضار آنها به تهران>

میرحسین موسوی بنابراین درخواست آمریکا داوران ایرانی را برکنارکرد.

(مرکز مطالعات حقوق بین الملل)

## انتخاب سرداور

برای انتخاب سرداور آمریکا از رئیس دیوان کشورلااهه درخواست قبول داوری نمود ولی طرف ایرانی با سرداوری او مخالفت کرد وعلت مخالفت داوران ایران که در آن زمان درخدمت بودند درلوايح متعدی قابل مطالعه است که بکاراین تحریر نمایم.

بدین ترتیب بخش داوری دیوان لاهه هم نتوانست کاری انجام دهد وپرونده مزبور همانطوربلااقدام ماند و نهایتا کاررسید به تصویت کنگره آمریکا به پرداخت خسارت به گروگانها.

**دستآورد غیر مترقبه قابل بحث**

اجمال کلی دستآورد مورد بحث این است که خسارت گروگانهای آمریکائی را دولت آمریکا از جوهی که با هیچ فرضی متعلق به دولت جمهوری اسلامی نیست وحتما از باب دارائی های خزانه آمریکاست پرداخت کرده ولاجرم تصمیم کنگره آمریکا به پرداخت خسارت به گروگان ها برای پایان دادن به ماجرای شکایت گروگانها یک امر داخلی آمریکا محسوب وتوجهی به ایران ندارد، دلایل این برداشت اینهاست:

- ★ بنا بر بیانیه الجزایر مرجع صلاحیت دار رسیدگی به دعوی آمریکا وایران وبرعکس دیوان بین المللی لاهه ویا هیئت داوری است نه کنگره آمریکا.
- ★ کنگره آمریکا بدلیل آنکه نماینده مردم آمریکاست نماینده گروگانها هم هست ولاجرم دخالت کنگره آمریکا، قاضی ومدعی رادر یک مقام قرار میدهد.
- ★ هیچ دلیلی وجود ندارد که دخالت کنگره در امر مزبور با موافقت جمهوری اسلامی (ایران) بوده است، ولاجرم تصمیم کنگره هم متاثر از آثاری نسبت به مسئله گروگانها که سند حقوقی آن بیانیه الجزایر نخواهد بود.
- ★ هیچ دلیل وضابطه حقوقی وجود ندارد که دولت آمریکا بتواند مستقیما خسارت پرداخت کرده به گروگانها را اذدارائی های ایران برداشت کند (بسابقه امر) ویا آنرا مورد مطالبه قرار دهد. زیرا قانون کنکره حتی ایران را متعهد ویا طرف گروگان ها نشناخته است واگر هم میشناخت خارج از صلاحیت بیانیه الجزایر عمل کرده بود که توجهی به ایران نداشت.
- ★ تعیین ۱۰،۰۰۰ دلار خسارت روزانه برای گروگان ها رقمی نیست که از سوی کارشناسان همراه با استدلال صادر شده باشد. رقمی است که کنگره یعنی از سوی وکلای، خواهان ها تعیین مبلغ شده است ونمیتواند رقم واقعی خسارات وارده به گروگان ها تلقی شود.
- ★ اقتضای دستاورد حقوقی که عرض شد این نیست که گروگان ها مستحق دریافت خسارت نیستند بلکه مدعی است که اولاً باید ثابت شود که خسارت به گروگانها وارد شده ودوم اینکه معیار قابل قبولی برای تشخیص خسارت بکار بسته شود.